



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

مقایسه تطبیقی معارف قرآنی و تفکیکی (۱) گزارش ساده و فشرده آراء تفکیک

تاریخ انتشار: شنبه ۱۰ رجب ۱۴۳۵

هو العالی

فایده این مقایسه هم آشنایی با میزان تطابق تفکیک با معارف قرآنی است و هم میزان اثرپذیری ایشان از عرفان و حکمت متعالیه و با پی‌گیری دقیق این بحث هر محققى به این نتیجه می‌رسد که مکتب تفکیک به همان مقدار که به عرفان نزدیک شده بیشتر توانسته است از آیات و روایات بهره‌برد و به هر میزان از آن دور گشته از آیات و روایات هم محروم گشته است.

فهرست

- ۱- هدف این بحث
- ۲- خداشناسی تفکیک
- ۳- جهان‌شناسی تفکیک
- ۴- انسان‌شناسی تفکیک
- ۵- معادشناسی تفکیک

هدف این بحث

هدف این بحث بررسی مختصر چند مسأله اصلی از اختلافات اعتقادی مکتب تفکیک با عرفان و حکمت متعالیه در خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی است که با رعایت اختصار و بیان ساده برای آشنائی با منظومه فکری تفکیک مفید می‌باشد.

جهت اختصار در این چند یادداشت به همه مسائل اختلافی پرداخته نشده و برای تفصیل بیشتر می‌توان به کتاب «مکتب تفکیک در بوتۀ نقد» تألیف جناب آقای دکتر ارشادی نیا و کتاب «آئین و اندیشه» تألیف حجة الاسلام و المسلمین موسوی مراجعه کرد. بررسی آراء مکتب تفکیک در «روش کشف معارف» نیز در چند یادداشت جداگانه ان شاء الله تقدیم خواهد شد..

در این یادداشتها سعی شده که اختصار و ساده‌نویسی مانع دقت بحث نگشته و تعابیر با دقت و ظرافت انتخاب گردند؛ لذا تقاضا می‌شود در مطالعه آن نیز دقت به کار برده شود. از سوئی طبیعت بحث به گونه‌ای

است که علی‌رغم تلاش برای ساده نویسی باز هم فهم برخی از مطالب محتاج آشنائی با کمی با علوم عقلی است.

فائده این مقایسه هم آشنائی با میزان تطابق تفکیک با معارف قرآنی است و هم میزان اثرپذیری ایشان از عرفان و حکمت متعالیه و با پی‌گیری دقیق این بحث هر محققى به این نتیجه می‌رسد که مکتب تفکیک به همان مقدار که به عرفان نزدیک شده بیشتر توانسته است از آیات و روایات بهره ببرد و به هر میزان از آن دور گشته از آیات و روایات هم محروم گشته است.

به جهت تطابق کلیات عرفان و حکمت متعالیه با معارف قرآنی و اصل بودن قرآن کریم برای همه معارف عنوان این مباحث «مقایسه تطبیقی معارف قرآنی و تفکیکی» گذاشته شده است. مقدمتاً باید دانست بررسی دیدگاه‌های تفکیک با چند مشکل مواجه است:

- مشکل اول: تفکیکیان در مسائل روشی و اعتقادی دارای وحدت نظر نیستند. مرحوم میرزا به شدت از عرفا متأثر است و مرحوم قزوینی از سید موسی زرآبادی و از حکمت مثناء. لذا میان ابواب الهدی و بیان الفرقان تفاوت‌های فاحشی وجود دارد و این تفاوت‌ها در پیروان ایشان نیز اثر نهاده و هرچه از عمر این مکتب گذشته ظاهری‌گری در آن بیشتر شده است. توضیح مفصل این مسأله در مباحث روش‌شناسی تفکیک خواهد آمد.

- مشکل دوم: آراء مرحوم میرزا در آثار مختلفی که در طول زمان تألیف نموده‌اند، هم پراکنده و نامنظم و هم دارای تضاد و ناهماهنگی است و از دیگر سو آثار ایشان به شکل کامل در دسترس نیست و قضاوت نهائی درباره نظر ایشان مشکل می‌باشد.

- مشکل سوم: در آثار تفکیکیان - بر خلاف حکماء - نه اصطلاحات به شکل شفاف تعریف می‌شود و نه مدعا کامل تبیین می‌گردد و نه دلیل به نظم منطقی تقریر می‌شود و بسیاری از مطالب ایشان قابل حمل بر تفسیرهای متعددی است. سنت شرح و حاشیه‌نویسی نیز برای توضیح بیشتر مسائل میان آنان مرسوم نیست.

برای حل مشکل اول و دوم در این چند یادداشت بر گزارش آراء تفکیک بر اساس دو کتاب «تنبیها حول المبدأ و المعاد» اثر مرحوم آیت الله مروارید و «میزان المطالب» اثر مرحوم آیت الله تهرانی رضوان الله علیهما تکیه نموده که روشی میانه نسبت به میرزای اصفهانی و آیت الله شیخ مجتبی قزوینی رضوان الله علیهما داشته و میان تفکیکیان معاصر نیز نسبتاً مقبول می‌باشند، و برای حل مشکل سوم سعی می‌شود بیشتر به مسلمات مکتب تفکیک پرداخته شود.

از برادران تفکیکی و غیرتفکیکی تقاضا می‌شود در صورتی که با خطائی در تقریر آراء تفکیک بر اساس این دو منبع مواجه شدند ما را از تذکرتشان محروم نمایند.

در این چند یادداشت ابتدا فقط به گزارش کوتاه آراء تفکیک پرداخته شده است و سپس در هر موضوع به طور جداگانه نظر مکتب تفکیک به اختصار تکرار شده و با آنچه از متن قرآن و روایات و عقل استفاده می‌شود مقایسه گشته است و چون بنای آن بر اختصار است به طرح تفصیلی ادله پرداخته نشده است.

خداشناسی تفکیک

مکتب تفکیک معتقد است خداوند متعال حی، عالم، قدیر، ازلی، ابدی و خالق همه ماسوی است و هرچه جز اوست مخلوق او می‌باشد.

خداوند نامتناهی است و از هر حدی بیرون می‌باشد و در همه جا حضور دارد.

خداوند مستقل و غنی است ولی مخلوقات همگی به او محتاج می‌باشند.

احتیاج مخلوقات به خالق در متن ذات آنهاست و به دیگر سخن حقیقت مخلوقات شیئیت بالغیر است و آنچه شیئیت حقیقی دارد فقط خداوند است.

میان خالق و مخلوق هیچ مشابهت و مناسبتی نیست و ذات آن دو کاملاً با هم مابین است و لذا هیچ یک جای دیگری را تنگ نمی‌نماید.

خداوند در عین آنکه مخلوقات را حقیقتاً خلق کرده ولی باز هم نامتناهی است، زیرا نسبتش با مخلوقات مانند نور و شیشه است که شیشه محدودیتی برای نور فراهم نمی‌آورد (تنبیهات، ص ۵۳، ۶۸-۷۱).

جهان‌شناسی تفکیک

از نظر مکتب تفکیک اولین مخلوق خداوند جوهری است مادی و دارای فعلیت که آن را «ماء» یا «هواء» یا «نور» می‌نامند. و چون به مجرد خلق، نور علم و عقل نیز بر آن بار شده می‌توان گفت اولین مخلوق نور علم و عقل است.

در مرحله دوم خداوند با ایجاد اندازه‌ها و اشکال و اعراض گوناگون بر روی این جوهر واحد دیگر مخلوقات را خلق فرموده است. در اثر پدید آمدن این اعراض آن مخلوق واحد تکثر می‌یابد و از این نقطه خلقت تفصیلی آغاز می‌شود.

اولین مخلوق در مرحله خلقت تفصیلی نور رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و انوار اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشد (میزان المطالب، ص ۲۳۰ و ۲۳۱؛ تنبیهات، ص ۲۱۸-۲۲۰، و ص ۱۳۳؛ و رک: ابواب الهدی، ص ۱۲۸-۱۳۱ و ۱۹۹-۲۰۱؛ و آئین و اندیشه، ص ۳۴۰-۳۵۱؛ تحریر این مبحث در کلام میرزای اصفهانی به گونه‌ای دیگر است).

مخلوق اول (آب) به دو قسم گوارا و شور تقسیم می‌شود و از آب گوارا که علیین نامیده می‌شود طینت‌های پاک و ارواح و ابدان مؤمنین و بهشت و نعمت‌های آن خلق شده و از آب شور که سجین است ارواح و ابدان کافرین و جهنم و آتش خلق می‌گردد (تنبیهات، ص ۲۲۲ و ۲۲۳).

بنابراین:

اولاً: مخلوق اول لا من شیء (نه از چیزی) خلق گشته است و حدوث حقیقی دارد و دیگر مخلوقات از مخلوق اول خلق شده‌اند (میزان المطالب، ص ۲۲۱؛ و تنبیهاً، ص ۲۱۸؛ تقریرات، ص ۱۴۹).

ثانیاً: تفاوت همه مخلوقات عرضی است؛ زیرا جوهر همه آنها یکی بیش نیست.

ثالثاً: تمام مخلوقات از زمین و آسمان و روح و ملک و جنّ و برزخ و قیامت - بجز نور علم و عقل و قدرت و روح القدس به اعتباری - جسمانی و قابل اشاره حسی می‌باشند و مکان اشغال می‌کنند. ولی این اجسام دارای مراتب مختلفی از جهت لطافت و غلظت می‌باشند؛ لذا بسیاری از آنها به حسّ ما در نمی‌آیند (تنبیهاً، ص ۲۱۸ و ۲۴۸؛ البته تفکیکیان در برخی مواضع وجود مجزّدی غیر از خداوند را انکار کرده و در برخی مواضع می‌پذیرند. رک: آئین و اندیشه، ص ۳۵۶).

رابعاً: همه مخلوقات از دیگرگونی مخلوق اول پدید آمده‌اند و از جهتی با او عینیّت داشته و از جهتی غیر وی می‌باشند (تنبیهاً، ص ۶۹).

انسان شناسی تفکیک

همه انسانها - حتی معصومین علیهم السلام - روحی و بدنی دارند که هر دو از همان مخلوق اول (آب) خلق شده‌اند ولی روح جسمی لطیف است و بدن غلیظ و متراکم.

روح و بدن هر دو - همچون همه مخلوقات - به تنهائی تاریک و ظلمانی است و حتی نفس مقدّس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که مخلوق اول در مقام تفصیل است، ذاتاً ظلمت محض است و به واسطه نور علم و عقل و قدرت که از جانب خداوند افاضه می‌شود، نورانی می‌گردد (همان، ص ۲۲۴؛ ابواب الهدی، ص ۱۰۱-۱۰۸).

خداوند ارواح انسان‌ها را دو هزار سال پیش از بدن‌های آنها خلق فرموده و از هر یک بر اطاعت خود و اولیایش میثاقی گرفته است.

سپس قسمتی از آن آب‌های شیرین و شور را به خاک تبدیل فرموده و از آن بدن‌هایی متناسب با ارواح مؤمنین و کفّار خلق نموده است. این بدن‌ها بسیار کوچک بوده و هر کدام به قدر ذره‌ای می‌باشد و به آن در زبان تفکیکیان «بدن ذری» گفته می‌شود.

سپس خداوند به این بدن‌های ذره‌ای کوچک علم و حیات را - به واسطه تعلّق ارواح یا به استقلال - افاضه نموده است و آنها را در فضائی پیرامون زمین ساکن نموده و دوباره از آنها بر حقّانیت خود و رسول و اولیایش علیهم‌السلام اقرار گرفته و برخی را نیز آزمایش نموده است.

در این مرحله - که «عالم ذرّ اول» نامیده می‌شود - بدن ذری حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام و حوا نیز در کنار دیگر بدن‌ها بوده‌اند (تنبیهاً، ص ۲۲۴-۲۳۲ و ۱۰۸-۱۲۲؛ میزان المطالب، ص ۲۷۱-۲۷۴).

در مرحله بعد خداوند بدن عادی حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام را خلقت فرمود که بدن ذری آن حضرت نیز جزئی کوچک از آن بدن عادی بود.

خداوند تمام بدن‌های ذری دیگر را نیز جمع نمود و همه را در صلب آدم - که جثه‌ای بسیار بزرگ داشت (تنبیهات، ص ۱۲۹) - قرارداد و روح وی را در وی دمید و به ملائکه امر نمود که به وی سجده نمایند.

سپس حضرت آدم در بهشت که در آسمان هفتم است از شجره ممنوعه خورد و به زمین هبوط کرد.

در روی زمین در میان مکه و طائف خداوند ذریه آدم علیه السلام را با بدن‌های کوچکشان از صلب وی خارج نمود و بار دیگر از ایشان عهد و اقرار گرفت (تنبیهات، ص ۲۳۲ و ۲۳۳).

به نقلی این بدن‌های کوچک و ذری دوباره به صلب آدم بازگشتند و این بدن‌ها از صلبی به صلبی در انتقال هستند تا آن زمان که موعد ورودشان به دنیا گردد و وارد رحم مادر شوند (همان، ص ۲۵۲ و ۲۵۳).

انسان‌ها پس از ورود به دنیا تمام حوادث عالم ذر را فراموش می‌نمایند، ولی اصل معرفت به خداوند در سویدای قلبشان باقی می‌ماند و در برخی از شرائط همچون حال اضطرار این معرفت زنده شده و خود را نشان می‌دهد.

معادشناسی تفکیک

مکتب تفکیک معتقد است بهشت و جهنم در گوشه‌ای از همین عالم دنیاست به گونه‌ای که اگر کسی قدرت پرواز به آسمان‌ها را داشته باشد می‌تواند به بهشت که در آسمان هفتم است، پرواز کند (رک: بررسی نسبت عقل و وحی، ص ۵۳).

بهشت و جهنم از جسمی لطیف خلق شده و احکام و آثار خاصی دارد (میزان المطالب، ص ۳۸۵).

روح انسان‌ها پس از مردن در برزخ به سر می‌برند و در هنگامه قیامت از برزخ دوباره به همین عالم باز می‌گردند و ذرات بدن‌های مردگان دوباره گرد آمده و همچون انسانی که از خواب بیدار شود، دوباره زنده می‌گردند (میزان المطالب، ص ۳۷۷؛ تنبیهات، ۲۵۵-۲۵۷؛ ۲۰۷-۲۱۶) تا به بهشت یا جهنم راهی شوند و در ازاء اعمال، جزائی مناسب به آنها داده شود.

ذرات بدن اصلی در طول زمان ممکن است پراکنده شده یا به جزء بدن کس دیگری تبدیل شود و لذا بدن‌هایی که دوباره از خاک بر می‌خیزند همان بدن اصلی بعینه نیستند بلکه ممکن است از ذرات دیگری تشکیل شوند.

ولی بدن ذری انسان هرگز از بین نمی‌رود و به چیزی هم تبدیل نمی‌گردد و حتماً جزئی از بدن اخروی وی نیز هست و عینیت بدن دنیوی و اخروی به وسیله آن حفظ می‌گردد، (میزان المطالب، ص ۳۹۴؛ تنبیهات، ص ۲۶۳).

آنچه گذشت نگاه مکتب تفکیک در چهار محور اصلی معارف بود که برگرفته از روش مکتب تفکیک در کشف معارف است که اساس آن جمود بر ظاهر آیات و روایات بدون دقت در مفاد آنها و جمع میان موارد به ظاهر متعارض می‌باشد.

در یادداشتهای آتی تلاش می‌شود میان این آراء با معارف مستفاد از قرآن و نگاه حکمت متعالیه و عرفان مقایسه گردد.